



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

ولایت نامه « غدیریہ »

گزارشی از قصیده غدیریہ و زندگینامہ

ملا مهر علی فدوی خوئی

(۱۱۸۲-۱۲۶۲ ق)

تهیه و تنظیم:

علی صدرائی خوئی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ولایت نامه غدیریه

نویسنده:

ملا مهر علی تبریزی

ناشر چاپی:

انصاریان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	ولایت نامه غدیریّه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	پیشگفتار
۱۵	بخش اول: شرح حال ملا مهر علی خوئی
۱۵	اشاره
۱۶	۱- زادگاه
۱۶	۲- دیار ولایت
۱۶	اشاره
۱۷	علامه سترگ حاج میرزا حبیب الله خوئی (متوفای ۱۳۲۴ ق)
۱۸	شهید آیت الله ابراهیم بن حسین دنبلی خویی (شهادت ۱۳۲۵ ق)
۲۱	۳- ملا مهر علی زنوزی خوئی متخلص به فدوی
۲۴	۴- توانایی در شعر
۲۴	اشاره
۲۶	غزلی که در مدح حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سروده است
۲۹	همچنین از اشعار اوست
۲۹	و در ضمن قصیده ای بلند، در بی وفا دنیا
۳۲	و از اشعار ترکی اوست
۳۲	از اشعار عربی اوست:
۳۳	ملا مهر علی قصیده ای در مدح سید محمد مجاهد طباطبائی
۳۴	همچنین قصیده مفصلی سروده به ترکی در مدح مولا
۳۴	و این چند رباعی نیز از ملا مهر علی است

۳۵	بخش دوم: قصیده غدیریه
۳۵	اشاره
۳۶	۱- کرامتی در مورد این قصیده
۳۸	۲- تعداد ابیات
۴۰	۳- قصیده غدیریه و ترجمه منظوم آن
۴۶	بخش سوم: تخمیس های قصیده غدیریه
۴۶	اشاره
۴۷	۱- تخمیس ملاً علی خوئی (۱۱۶۶-۱۲۵۶ ق)
۴۸	۲- تخمیس ملاً علی واله خیابانی تبریزی (متوفای ۱۳۴۰ ق)
۵۱	۳- تخمیس حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ
۵۷	۴- تخمیس مهندس نقوی مشهور به حامد تبریزی
۶۳	۵- تضمین مولوی قندهاری
۷۴	منابعی که در تنظیم این جزوه مورد استفاده قرار گرفته است:
۷۴	۱- بحر العلوم
۷۴	۲- زنبیل
۷۴	۳- سیمای خوی
۷۴	۴- تاریخ و جغرافیای دار السلطنه تبریز
۷۴	۵- قصیده غدیریه مرحوم آیت الله حاج ملاً علی خوئی نجفی
۷۵	۶- دیوان انصاری
۷۵	۷- تذکره شعرانی آذربایجان
۷۵	۸- تذکره الفضلاء در حالات علماء عرفاء و شعرای خوی از
۷۵	۹- علمای معاصرین
۷۶	درباره مرکز

ولایت نامه غدیریہ

مشخصات کتاب

سرشناسه: تبریزی خوئی زنوزی، مهرعلی، ۱۱۸۲ - ۱۲۶۲ق.

عنوان و نام پدیدآور: ولایت نامه غدیریہ / ملا مهرعلی تبریزی

ناشر: انصاریان

محل نشر: قم - ایران

سال نشر: ۱۳۷۶

مشخصات ظاهری: ۶۳ص

موضوع: شعر مذهبی

موضوع: امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام در شعر

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٤

فهرست مطالب

پیشگفتار

بخش اول: شرح حال ملا مهر علی خوئی

۱- زادگاه

۲- دیار ولایت

علامه حاج میرزا حبیب الله خوئی

شہید آیت الله ابراہیم خوئی

۳- ملا مهر علی خوئی

۴- توانایی در شعر

بخش دوم: قصیدہ غدیریه

۱- کرامتی در مورد این قصیدہ

۲- تعداد ابیات

۳- قصیدہ غدیریه و ترجمہ منظوم آن

بخش سوم: تخمیسهای قصیدہ غدیریه

۱- تخمیس ملا علی خوئی

۲- تخمیس ملا علی واله تبریزی

۳- تخمیس حجت الاسلام محمد علی انصاری قمی

۴- تخمیس مهندس نقوی مشہور بہ حامد تبریزی

۵- تضمین مولوی قندھاری

منابع و مآخذ

عشق و علاقه به مولی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام با رنگ و پوست شیعیان عجین است. و هر کدام از آنها به نحوی این عشق و محبت را از خود بروز داده و به ظهور رسانده اند.

عده کثیری از آنها با نثار جان در راه مرام آن مولی دین خود را ادا نموده اند که تاریخ خونبار تشیع گواه بر آن است. عده دیگری با ایثار مالی و تحمل مشتقات روحی و روانی این عشق را به اثبات رسانده اند.

عده ای نیز با قلم، در راه آن حضرت مجاهده نموده اند که کتابهای عبقات الانوار میر حامد حسین و الغدیر علامه امینی نمونه ای از انبوه کتابهای تألیف شده در این مورد است.

عده ای دیگر نیز احساسات و عواطف را به کار گرفته در میدان شعر به بیان حق و دفاع از تشیع پرداختند که نمونه های زیادی از آن در کتابها ثبت شده است.

در این وجیزه بر آنیم تا پیرامون یکی از قصاید غزایی که در مدح آن حضرت سروده شده و شاعر آن، به فحص و بررسی پردازیم.

این قصیده غرا را ملا مهر علی خوئی متخلص به فدوی با استمداد از عنایت آن حضرت سروده و از بدو انشاء تابحال دهان به دهان و سینه به سینه نقل شده است.

ما در این مختصر ابتدا توضیح مختصری در مورد زادگاه آن شیعه وارسته و سپس شرح حال وی و بعد از آن درج اصل قصیده و ترجمه منظوم آن و در نهایت تخمیسهایی که علما در مورد این قصیده سروده اند ذکر خواهیم کرد. انشاء الله این عمل ناچیز مورد رضای حق تعالی و مشمول عنایت مولی قرار بگیرد. و وسیله نجاتی در یوم لا ینفع مال و لا بنون گردد. بمنه و کرمه

ص: ۷

بخش اول: شرح حال ملا مهر علی خوئی

اشاره

ص: ۸

۱- زادگاه

تولد ملا مهر علی در بخش زنوز از توابع شهر مرند صورت گرفته است. زنوز در فاصله ۲۵ کیلومتری مرند واقع شده و از جاده اصلی مرند-جلفا ده کیلومتر فاصله دارد. این بخش در سال ۱۳۶۳ ش دارای ۳۹۴۱ نفر جمعیت بوده است (۱). از این بخش تابحال عالمان زیادی در عرصه علم و دین ظهور نموده اند که می توان علامه محمّد حسن زنوزی متخلص به فانی صاحب دایره المعارف معروف «ریاض الجنه» و میرزا عبد الرسول زنوزی متخلص به فنا و ملا عبد الله زنوزی حکیم معروف صاحب «لمعات الهیه» و فرزندش آقا علی زنوزی را نام برد.

۲- دیار ولایت

اشاره

ملا مهر علی در عنفوان جوانی از زادگاهش کوچ کرده و در شهر خوی ساکن گردید و در این شهر رشد و نمو نمود و به همین جهت به خوئی اشتهار دارد.

خوی یکی از شهرهای مهم آذربایجان غربی است که اکثریت

ص: ۹

۱- ۱) برای آگاهی بیشتر از وضع جغرافیایی و تاریخی زنوز به کتاب فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، ص ۳۳۸ به بعد رجوع شود.

سکنه آن پیرو ولایت مولی علی علیه السلام و تابع اهل بیت عصمت-سلام الله علیهم- هستند و مذهب شیعه اثنی عشری دارند. از این شهر عاشقان زیادی به ولایت و دین و مذهب جعفری ظهور نموده که تا توان داشتند در اعتلای مذهب کوشیدند. برای ارج گذاری از خدمات شایسته آنان نمونه هایی از خدماتشان به ولایت در اینجا ذکر می شود.

علامه سترگ حاج میرزا حبیب الله خوئی (متوفای ۱۳۲۴ ق)

تولد علامه در خوی صورت گرفته و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در سال ۱۲۸۶ ق راهی بارگاه ملکوتی امیر مؤمنان، نجف اشرف گردید و از خرمن فضل فضلالی عصر چون میرزا حبیب الله رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی و حاج سید حسین کوهکمری دانش اندوزی کرد و پس از کسب اجتهاد با کوله باری از علم و معرفت به موطن خویش بازگشت.

او در زادگاهش مشغول تبلیغ و تدریس علوم دینی گردید و در ضمن به تألیف اثر ماندگار خود شرح نهج البلاغه پرداخت.

او شرح خود را با توجه به سایر شروح با تفصیل و توضیح لازم نگاشت و بنابراین شرح وی مفصل ترین شرحی است که تا بحال بر نهج البلاغه نگاشته شده است.

او بعد از آنکه چند جلد از این شرح مهم را تألیف نمود برای چاپ

آن به تهران مهاجرت نمود و بعد از چاپ سه جلد اوّل آن اجل محتومش فرا رسید و در سال ۱۳۲۴ ق به دیار باقی شتافت و در جوار حضرت عبد العظیم در شهر ری مدفون گردید.

اثر وی بعد از خودش مورد توجه عالمان قرار گرفت و توسط استاد علامه حضرت آیت الله حسن حسن زاده آملی-مد ظله العالی-و محقق توانا محمد باقر کمره ای تکمیل گردید.و در نهایت در بیست و یک جلد به چاپ رسید.

این شرح که به نام منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه موسوم است دایره المعارفی از عقاید و معارف شیعه است.و شیعیان باید توجه بیشتری به آن مبذول دارند.و شایسته است که مؤمنان در چاپ و نشر آن به طرز جدید همت نمایند.

شهید آیت الله ابراهیم بن حسین دنبلی خویی(شهادت ۱۳۲۵ ق)

تولد آن نادره دوران در سال ۱۲۴۷ ق در خوی صورت گرفته است.با اینکه آبا و اجداد وی از خانها و اشراف شهر بودند ولی وی از همان اوان کودکی مصمم می شود که برخلاف طریقه پدرانش وارد جرگه اهل علم شود.بعد از تحصیل مقدمات علوم در خوی،راهی نجف اشرف می شود و از محضر بزرگان حوزه همچون خاتم المجتهدین شیخ مرتضی انصاری و آیت الله شیخ مهدی نجفی و آیت الله شیخ مهدی کاظمی خوشه معرفت می چیند و در سال

۱۲۶۲ ق بعد از کسب اجازه نامه از اساتیدش به زادگاهش برمی گردد.

و در این شهر متصدی ترویج دین و صیانت از حریم شرع می گردد.

اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران که در هنگام گذر از خوی با شهید دیدار کرده وی را چنین وصف می کند:

«مجتهد بزرگ شهر حاجی میرزا ابراهیم آقا از احترام فوق العاده عموم برخوردار است، خانه اش کوچک است و تنها یکی از اطافهای آن که با فرش مفروش شده پنجره اش به حیاط کوچکی باز می شود.

در آستانه در طبق رسم قدیمی محجر چوبی گذاشته اند، یعنی در اینجا باید کفشها را از پا درآورد، مرد محترم که نسیال نزدیک اطاق در میان تعداد بیشماری کتاب در موضوعات فقه اسلامی و پرونده هایی که برای اتخاذ تصمیم و صدور رأی به حضور وی آورده اند، نشسته است و ریشش را با حنارنگ می کند، بعد از ادامه تحصیل در نجف و کسب فیض از محضر استادان بزرگ به شهر خود بازگشته تا دین و عدالت را در میان همشهریانش گسترش دهد. با آنکه ثروت زیادی دارد، ولی خود با قناعت زندگی می کند و بیشتر درآمد حاصل از املا-کش را صرف احسان و صدقه می کند. به موجب وصیتش بعد از درگذشت وی همه داراییش وقف امام سوم است. عده ای که به دیدار و زیارت وی می آیند، قابل شمارش نیست. او چندین بار به زیارت مکه نایل شده و با وجود کبر سن حداقل دو سال یکبار به شهرهای کربلا و مشهد مشرف می شود.

ص: ۱۲

اهالی خوی هنگامی که او را می بینند، با چنین علو مقام چون یک فرد عادی کفشها زیر بغل در مسجدی دعا خواندن است، سخت به هیجان می آیند» (۱).

باری شهید علاقه وافری به حضرات ائمه علیهم السّلام داشت و به همین جهت با وجود کمبود وسایل نقلیه در آن عصر دو سال یک بار به عتبات عالیات مشرف می شد. و در زمان حیات خود تمامی اموالش را در راه ائمه علیهم السّلام وقف می کند که وقفنامه آنها کتابچه مستقلی است و نسخه هایی از آن هم اکنون موجود است.

شهید هنگام عزیمت به نجف اشرف برای تحصیل از مولی امیر المؤمنین علیه السّلام سه حاجت می خواهد:

اول اینکه: اگر اولاد صالح برایش مقدر نشده، بدون اولاد بماند.

دوم آنکه: خداوند ثروت زیادی به وی عطا کند تا در راه دین صرف کند.

سوم آنکه: مرگش با شهادت باشد.

هر سه خواسته شهید مستجاب می شود و شهید بدون اولاد از دنیا می رود. همچنین خداوند اموال زیادی را به وی عطا می کند و شهید همه آنها را وقف می کند و این موقوفات از جهت کثرت و زیادی امروزه نیز در خوی نظیر ندارد.

ص: ۱۳

اما خواسته سوّم شهید نیز به اجابت رسید و در ایام مشروطیت بنا به بعضی از کارهای خلاف شرع که از مشروطه خواهان سر می زد آن مرحوم با آنها موافق نبود، لذا در پی آزار و اذیت وی بودند تا یکی از کوردلان در روز ششم شعبان ۱۳۲۵ ق وقتی آن مرحوم قصد خروج از منزلش را داشت، وی را هدف گلوله قرار داده و به شهادت رسانید (۱).

شهید به امیر مؤمنان عشق می ورزید. او علاوه بر کارهای خیریه که در نجف انجام داد. اقدام به شرح کلمات مبارک آن حضرت علیه السّلام نمود. و شرحی بر نهج البلاغه نگاشت. او نام شرحش را الدرّه النجفیه فی شرح نهج البلاغه الحیدریه قرار داد. و آن را در دو جلد تألیف نمود. این شرح مختصر و علمی است و در زمان حیات شهید به صورت سنگی به چاپ رسیده است. و اکنون جای آن دارد که از موقوفات آن شهید به نمو شایسته ای تحقیق و احیاء شود.

۳- ملاّ مهر علی زنوزی خوئی متخلص به فدوی

یکی دیگر از شیفتگان ولایت که در خوی رشد و تربیت یافت ملاّ مهر علی خوئی است. تولد وی در سال ۱۱۸۲ ق در زنوز اتفاق

ص: ۱۴

۱- ۱) برای اطلاع بیشتر از شرح حال وی به کتاب سیمای خوی، ص ۱۷۸-۱۸۳ مراجعه شود.

افتاده ولی در خوی نشو و نما کرده است.

ملاً مهر علی بعد از تحصیل مقدمات علوم در خوی به خراسان، اصفهان و عراق برای کسب علم مسافرت نمود. و در علوم و فنون عصر خویش رتبه والا یافت و به خوی مراجعت نمود. بعد از آن مدتی در مرند ساکن شد و در آنجا مسجدی را تأسیس کرد که هم اکنون نیز به نام وی موجود و معروف است.

ملاً مهر علی در اواخر عمر در تبریز اقامت نمود و هم در آن شهر ازدواج کرد و دارای فرزندانی گردید که اعقابش در تبریز موجودند.

فدوی در سال ۱۲۶۲ ق در هشتاد سالگی دار فانی را وداع و رخت عافیت به سرای باقی کشید.

ملاً مهر علی با علم و فضلی که داشت مورد توجه معاصران خود بود و در کتابهای نویسندگان عصر خود به مناسبتی از وی یاد شده است.

اولین کسی که متعرض حالات وی گردیده علامه سید محمد حسن زنوزی (متوفای ۱۲۲۳ ق) در کتاب بحر العلوم است. زنوزی که نگارش کتابش قبل از سال ۱۲۱۶ ق صورت گرفته و ملاً مهر علی در آن زمان بیشتر از سی و چهار سال نداشته، در مورد وی چنین می نویسد:

«المولی مهر علی الخوئی عارف جامع حکیم منجم کثیر الکتابه و سریع التحریر له اطلاع فی اکثر العلوم قرأ اولاً علی فضلاء المحروسة ثم سافر الی العراق ثم اصبهان ثم خراسان و قرأ علی فضلاء

تلك البلاد في اكثر العلوم مده مديده، الا انه كثير الميل الى علم النجوم و الاحكام.

و له اشعار عجميه مليحه في معادله الملاح و قصايد فصيحه طويله في مدح الملوک و ارباب السلاح».

بعد از زنوزی، فرهاد میرزا- از شاهزادگان با فضل قاجار- از ملا مهر علی یاد نمود، و گوید:

«وفات ملا مهر علی ادیب ترک تبریزی المتخلص به فدوی در سال ۱۲۶۲ هجری در تبریز اتفاق افتاد و قد ناهز ثمانین سنه، مرد خرقه پوشی ژنده بر دوشی بذی اللسانی فصیح البیانی مرقع لباسی و ملمع اساسی بود. و قریب سیصد جلد کتاب داشت که غالب او به خط خودش بود و خط شکسته نستعلیق متوسطی داشت و در اواخر عمر زنی گرفت و از او اولادی به عمل آمد. و در مراتب شعر و شاعری ید علیا داشت فن حسابی او ترکی پس از آن عربی و پس از آن فارسی است».

نادر میرزا که مدتی در نزد ملا مهر علی ادبیات عرب تحصیل نموده، از وی چنین یاد می کند:

«من خود شوقی بسیار و ذوقی روشن داشتم. بدین شهر کسی نبود که ادب دانستی مگر میرزا احمد (۱) معروف به مجتهد و دو تن

ص: ۱۶

فرزندان بزرگوارش میرزا لطفعلی امام جمعه و میرزا جعفر رضی الله عنهم.

دبیری کهنه ادیب بود بدین شهر از بومیان، با قدی خمیده ملاً مهر علی نام، چون اسپهبد استعداد من بدید، بفرمود: با این بزرگان مراودت کردن. و به روز جمعه ها ادیب پیر را دعوت کردی و یک هزار دینار نقره با خوردنیهای چرب و نرم آماده بود. من از هنگام ناهار شکستن تا یک گاه به غروب مانده با فرحی تمام از آن پیر لغت و مسائل نحو صرف همی پرسیدم».

این بود یاد کرد معاصران ملاً مهر علی از وی، بعد از آن هرچه در کتابهای شرح حال از وی گفته شده همه ماخوذ از این سه مصدر است و لذا از ذکر آنها صرف نظر می شود.

۴- توانایی در شعر

اشاره

ملاً- مهر علی علاوه بر تبحرش در علوم از ذوق شعری بالایی برخوردار بود و دیدیم که معاصرانش قدرت وی را در شعر و شاعری ستوده اند.

ملاً مهر علی در اشعارش به فدوی تخلص می کند. و به سه زبان

ص: ۱۷

ترکی، عربی و فارسی شعر سروده شده است. آنچنان که از فرهاد میرزا نقل شد او توانایی ملاً مهر علی را ابتدا در نظم اشعار ترکی بعد از آن اشعار عربی و در نهایت اشعار فارسی می داند.

از ملاً مهر علی دیوان اشعاری تابحال مشاهده نشده و در جایی معرفی نگردیده است.

آنچه از اشعار وی باقی مانده، همان است که در لابلای جنگهای خطی و تذکره ها نقل شده است. نمونه ای از اشعار وی عبارتند:

ص: ۱۸

غزلی که در مدح حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سروده است

لا استعاره ای ز جلال محمد است

إلا کنایه ای ز جمال محمد است

این عین و شین و قاف که عشق است نام آن

محصول میم و حاصل دال محمد است

از عقل و روح و لوح و قلم مدعای دوست

تحریر فضل و شرح کمال محمد است

روح القدس به زمرة ارواح جبرئیل

با مصحف از یمین و شمال محمد است

عمری که اوست باعث ایجاد ماه و سال

ایام عمر شصت و سه سال محمد است

اندر مقطعات سُورِ گَر مُعْطَلِی

تفسیر آن محمد و آل محمد است

نزد مفسری که بود ز اهل ذوق و حال

قرآن همه حکایت حال محمد است

ناری که طور داشت شعاع رخ علی است

آبی که خضر خورد زلال محمد است

تسبیح سنگریزه و معراج و شوق ماه
از صد یکی ز سحر حلال محمد است
از بهر واجب آنکه محال است مثل او
خواهی اگر مثال مثال محمد است
گر نغمه خدا به گوش خدا آشناستی
آوازه اذان بلال محمد است
خوانم چگونه طوطی باغ فصاحتش
طوطی کجا به حسن مقال محمد است
حسنی که داشت یوسف مصری نمونه ای
از حسن بیحد خط و خال محمد است
بوی عبیر و نکهت مشک و شمیم گل
از اعتدال و خلق و خصال محمد است
رفتار آهوی و روش کبک خوش حزام
پامال قد تازه نهال محمد است
هر کس مراد او ز خدا جنتست و حور
الا مراد من که وصال محمد است
مستی من خمار ندارد که سکر من
ز آب حیات غنچ و دلال محمد است
آسایشی مرا فدوی نیست در جهان
ور هست منحصر به خیال محمد است

إنقضی الايام و تمّ اللیال و انتهى الاوقات و ضاق المجال

روز و شب و سال و مهم شد ز کف حیف از آن روز و شب و ماه و سال

جاء مماتی کمجیء السّموم مرّ حیاتی کمرور الشمال

منکر عشق تو ندانی که کیست آنکه ندانسته یمین از شمال

آنسنی العشق و من ناره احترق القلب و ذاب الطّحال

مالک و المرهم یا مهجتی این جراحاتک و الإندمال

مقصدنا وصلک فی کل آن قبلتنا وجهک فی کل حال

خاب من استصحب اهل الهوی افلح من مال الی الاعتزال

قد أمن المتکلون علیه أیتها النفس علیک إتكال

و در ضمن قصیده ای بلند، در بی وفا دنیا

و بی اعتباری آن چنین گوید:

در مزاج جهان وفایی نیست دور ایام را بقایی نیست

نکنی تکیه بر بنای جهان که از آن سست تر بنایی نیست

دهر ویرانه ایست مسکن بوم اثری در وی از همایی نیست

بهر گمگشتگان وادی او غیر سرگشتگی درایی نیست

نیست آسایشی در این منزل که ز دنبال او عنایی نیست

نیست گنجی در این خراب آباد که در او خوف ازدهایی نیست

به فراغت در این سرا منشین که سرای فراح زایی نیست

از عطا‌های او مشو خرم که عطا‌های او عطایی نیست
دل به دنیا مده که این معشوق دل نگهدار دلربایی نیست
صحبتش فارغ از نفاقی نه یاریش خالی از جفایی نیست
نیست در بزمگاه او وصلی کز پی اش هجر جانگزایی نیست
از قفایش بآرزو منگر کایمن از سیلی اش قفایی نیست
بگذر از میزبانی این زال کاین سیه کاسه را سخایی نیست
حسرت خوان او مخور که در او غیر خون جگر غذایی نیست
آه از این عمر منقضی کو را ما حاصل غیر انقضایی نیست
مرد و زن نیست غیر گندم و جو نه فلک هم جز آسیایی نیست
همه را بی دریغ می ساید شرمش از روی بینوایی نیست
اینچنین است اقتضای فلک غیر از این کارش اقتضایی نیست
هست روشن به غایت این معنی دیده ها را ولی ضیایی نیست
می ندانم چه روزگار است این کاندرا او با حق آشنایی نیست
همه در معرض فنا اما کس در اندیشه فنا نیست
و بعد از ابیاتی در پایان قصیده گوید:
دارم آهنگ غایه الغایات جزویم غایه المنای نیست
نور صبحی گرفته ام به نظر کز پی اش ظلمت مسایی نیست
در پی جستجوی سلطانم غرضم خان و میرزایی نیست
طالب صاحب الزمانم من مقصدم سُرَّ مَنْ رآیی نیست
رهنورد طریق تکمیلیم غیر نقصانم ادعایی نیست

می کشم بادهٔ محبت یار ساقی ام غیر لافتایی نیست

رهنمایم علی است در دو جهان جز وی ام هیچ راهنمایی نیست

جز ولای علی که کیش من است در ضمیرم دگر ولایی نیست

و از اشعار ترکی اوست

درس عشقی او خومویان زاد اولماز اولسا مفتی ادی بیر آد اولماز

گورمینک خسرو عشقی هرگز سوزی شیرین اوزی فرهاد اولماز

زلفی زنجیر اولان خوبله پای بند اولمینگ آزاد اولماز

بلبلم گلخن اولوبدور وطنم چکمس ناله و فریاد اولماز

کیم دیدی عاشق اولان آغلاماسون شط اگر اولماسا بغداد اولماز

کونگلوم آبادلیق ایستر اما تا خراب اولمسه آباد اولماز

ای مدرس منی اوز حالیمه قوی سنکا شاگرد اولان استاد اولماز

بلبلا فصل گلنک قدرنی بیل که همیشه مه خرداد اولماز

غنچنین باغرنه باخچاق بیلدم دهر باغنده اولان شاد اولماز

ای گونگل خویله صید اولدونک صید اولان قوش دخی صیاد اولماز

عاشق اولدونک فدوی عقل بوراخ بیر عروسه ایکی داماد اولماز

از اشعار عربی اوست:

العشق دینی ما دمت حیّا ان کان رشدًا أو کان غیا

ورق خلا من آداب عشق ارمیه رمیا أطویه طیّا

کانت همومی کبنات نعش بالعشق صارت اخت الثریّا

بدنان عقل ما ابتلّ حلقى و بكاس عشق رویت ریا

إشرب كووسا من امّ لیلی ان كان فيها ذنب علیا

بیضاء موسى لذوی الرّجاجة و حیوه خضر لاولی الحمیا

یا لائمی فی حبّ الغوانی لعذرتنی لو ابصرت میا

من ذکر میّ عذب لسانی فلیذکرّنها من كان عیا

ما نال سلمی الافریق ترکوا التی و اجتنبوا اللتی

مت یا اخی بالموت الارادی کم من حیاه فیها مهیا

ملا مهر علی قصیده ای در مدح سید محمد مجاهد طباطبائی

هنگامی که فتوای جهاد بر علیه روسها داد سروده که آغاز آن چنین است:

مجتهد العصر اقام الجهاد اندفع الکفر و زال العناد

هاجر من بیته دفعا لما حلّ علی الناس من الارتداد

صیته لمّا استمع المشرکون اظهره الاسلام من الارتعاد

و بعد از آنکه روسها از تبریز خارج شدند قصیده ای انشاء نمود که مطلعش چنین است

إرتحل الروس النجس و طاب تبریز لنا

الحمد لله الذی اذهب عنا الحزنا

الروس من رؤسهم نجس الی اقدامهم

بنیتهم من فضله کأنّ بانیهما بنی

همچنین قصیده مفصلی سروده به ترکی در مدح مولا

امیر المؤمنین علیه السلام در آغاز آن گوید:

یوق گله عشقی بلبلون عشق بودر که منده وار

گل ده نه حسن ای پری حسن بودر که سنده وار

و بعد از چند بیت گوید:

خلق حضيض فر شدن حيف لنور کدن لره

ذروه عرشدن منم حيف او اکلنده وار

و این چند رباعی نیز از ملا مهر علی است

همانا عادت پروانه دارم که هیچ از سوختن پروا ندارم

چه پروا گرز سر تا پا بسوزم از آن شمعی که در کاشانه دارم

مسلسل زلف گرز داری تو من هم ولی صد رخنه همچون شانه دارم

مرو از دل برون ای گنج مقصود نه من هم خانه ویرانه دارم

ای دریغا که عمر شد بر باد در همه عمرم این نیامد یاد

حیف ناکرده فکر آبادی بایدم رفت از این خراب آباد

بخش دوّم: قصیده غدیریه

اشاره

ص: ۲۶

مشهورترین قصیده ملاً مهر علی که بوسیله آن نامش بر سر زبانها افتاده، قصیده ای است که در بیان عشق و علاقه درونی خود به مولا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام سروده است.

۱- کرامتی در مورد این قصیده

مرحوم ملاً علی خیابانی صاحب علمای معاصرین کرامتی در مورد این قصیده نقل نموده گوید:

«مرحوم فیلسوف الدوله میرزا عبد الحسین خان زنوزی الاصل تبریزی المسکن مشهدی المدفن در تاریخ تبریز (۱) در ترجمه ملاً مهر علی تبریزی خوئی متخلص به فدوی گوید:

از قصاید مشهوره عربی او آن قصیده ایست که در مدح امیر المؤمنین علیه السلام ساخته و مطلعش این است:

ها علی بشر کیف بشر ربّه فیه تجلی و ظهر

معروف است که بعد از ساختن قصیده نامبرده حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هم در

ص: ۲۷

۱- ۱) شیخ آغا بزرگ تهرانی در الذریعه ۲۴۲/۳ [۱] این کتاب را عنوان نموده و گوید: نسخه خط مؤلف آن در قم نزد حضرت آیت الله سید شهاب الدین تبریزی موجود است. ولی در فهرست نسخ خطی آن کتابخانه، این کتاب به چشم می خورد.

حضور مبارکش ایستاده، پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به ملا مهر علی فرمودند: مدیحه ای که در مدح پسر عم من گفته ای بخوان.

ملا مهر علی شروع به خواندن کرده و همینکه مصرع اولی را خواند آن حضرت نیز سه مرتبه فرمودند: کیف بشر، کیف بشر، کیف بشر.

عشق و علاقه غیرقابل وصف شیعیان به مولی و سوز قلبی که در این قصیده از این عشق به چشم می خورد موجب شده که آنها این قصیده را حفظ نموده و در کتابها و سخنرانیها و خطابه ها بخوانند و بدین سبب نام ملا مهر علی نیز همراه این قصیده زنده مانده است.

هرکس این قصیده را خوانده، شور و التهاب درون وی را گرفته و در عشق مولی اختیار از دستش رفته است. بدون شک شاعر را در سرودن این شعر مولی مدد نموده و همین امر نیز موجب باقی ماندن این قصیده در سر زبانها شده است.

آنچه مسلم است ملا مهر علی این قصیده را بعد از سال ۱۲۱۶ ق سروده، زیرا زنوزی که شرح حال وی را نگاشته با عشق و علاقه ای که به اهل بیت علیهم السلام داشته از این قصیده یاد نکرده است. و معلوم است که تا آن زمان شاعر آن را نسروده بود و الا زنوزی همه این قصیده را نقل می کرد چنانکه دأب وی است.

همچنین او این قصیده را قبل از سال ۱۲۴۰ ق سروده چون نسخه ای از آن در دست است که در سال ۱۲۴۰ تحریر شده است.

بنابراین سرودن این قصیده بین سالهای ۱۲۱۶ تا ۱۲۴۰ ه.ق صورت گرفته است.

۲- تعداد ابیات

ابیات قصیده مختلف نقل شده است و از بیست بیت تا چهل بیت نقل شده است.

فرهاد میرزا در کتابش که قدیمی ترین کتاب چاپی است که این قصیده در آن ذکر شده این قصیده را بیست و نه بیت ذکر کرده است.

ولی مرحوم میرزا رضا بصیرت شیرازی که این قصیده را به شعر فارسی برگرداند آن را چهل بیت نقل نموده است.

البته این نقلها منافات با هم ندارند زیرا پنج بیت پایانی که بصیرت نقل نموده متعلق به راز و نیاز شاعر است که اغلب حافظان و ناقلان کمتر به آن توجه می کنند.

همچنین در ترتیب ابیات و تقدم و تأخر آنها در نسخه ها اختلاف فراوان به چشم می خورد. و این اختلاف با توجه به اینکه این قصیده را خطباء حفظ کرده و سینه به سینه نقل شده امری عادی است.

ما در اینجا این قصیده را طبق نقل مرحوم بصیرت شیرازی درج می کنیم. زیرا ترجمه منظوم فارسی وی، از لطافت خاصی برخوردار است و عذوبت این قصیده را دوچندان نموده است.

بعد از نقل قصیده و ترجمه آن، چند تخمیس که شاعران در مورد

این قصیده سروده اند ذکر خواهد شد.

چنانکه خوانندگان بعد از خواندن قصیده متوجه خواهند شد این قصیده روح ولایت در آن دمیده شده و شاعر از نفس گرم عشق به مولی قادر به پرداختن چنین قصیده ای شده است و جا دارد که شیعیان این شعر را حفظ نموده و به بچه های خود یاد دهند که اثر و روحانیت خاصی دارد.

ص: ۳۰

ها علی بشر کیف بشر ربّه فیه تجلّی و ظهر

علی آمد بشر اما چه بشر بشری کوست خدا را مظهر

هو و المبدأ شمس و ضیاء هو و الواجب نور و قمر

علی و حق چون ضیاء و خورشید علی و حق بمثل نور و قمر

ما هو الله و لكن مثلاً معه الله کنار و حجر

مثل حق بود او نیست خدا لیک با اوست چو در سنگ آذر

اذن الله و عین الباری یا له صاحب سمع و بصر

خود علی گوش و علی چشم خداست ای عجب حق بودش سمع و بصر

علّه الّکون و لولاه لما کان للعالم عین و اثر

باشد او علت ایجاد دو کون گر نبودی نبود از خلق اثر

و له ابداع ما تعقله من عقول و نفوس و صور

خلقت آنچه بعقلت گنجد بهر او شد ز عقول و ز صور

ص: ۳۱

مظهر الواجب يا للممكن صورته الجاعل يا للمظهر

خود چه ممکن بود او کز عظمت آمده صورت حق را مظهر

جنس الأجناس علی و بنوه نوع الأنواع إلى الحادی عشر

جنس الاجناس علی و ابناش نوع الانواع یک و ده بشمر

فلک فی فلک فیہ نجوم صدف فی صدف فیہ درر

فلکی در فلکی پر انجم صدفی در صدفی پر گوهر

کلّ من مات و لم يعرفه موته موت حمار و بقر

هرکه او مرد و علی را نشناخت مردنش مردن گاو آمد و خر

هو فی الكلّ إمام الكلّ ...

در همه دور امام همه اوست ...

لیس من اذنب یوما بامام کیف من اشرك دھرا و کفر

هرکه روزی گنه آرد نسزاست بامامت چه رسد کفر سیر

قوسه قوس نزول و عروج سهمہ سهم قضاء و قدر

زو کمان قوس نزولست و صعود تیر او تیر قضا هست و قدر

ما رمی رمیه إلا و کفی ما غزا غزوه إلا و ظفر

تیر نگشود مگر خصم فکند جنگ ناورد مگر یافت ظفر

اغمد السيف متى قابله كل من جرد سيفاً و شهر
کرد شمشیر به پیشش به نیام هر کجا بود شجاعی اشهر
حبه مبداء خلد و نعیم بغضه منشأ نار و سقر
مهر او باعث جنات نعیم کین او مورث نار است و سقر
خصمه بغضه الله و لو حمد الله و اثنی و شکر
دشمن او بر حق مبعوض است گرچه حمد آرد و شکر داور
خله بشره الله و لو ...

دوستش راست بشارت ز خدا ...

و هو النور و اما الشركاء فظلام و دخان و شرر

او بود نور ولی مدعیان همچو تاریکی و دودند و شرر

من له صاحبه كالزهراء او سلیل کشیر و شبر

خود که راهست چو زهرا همسر یا دو فرزند چو شیر و شبر

من کمن هلل فی مهد صبی او کمن کبر فی عهد صغر

که به گهواره بگفتا تهلیل یا که تکبیر به ایام صغر

عنه دیوان علوم و حکم فيه طومار عظام و عبر

زوست دیوان علوم و حکمت و ندر آن درج بسی پند و عبر

بو تراب و کنوز العالم عنده نحو تراب و مدر

بو ترابست همه گنج جهان نزد او پست تر از خاک گذر

ظلم ما عاش بجوع و صیام بات ما حیّ بدمع و سهر

بود در روز به روزه همه عمر بود در گریه بشب تا به سحر

كلما احزنه الدهر سلا اينما استضعفه القوم صبر

تا غم افزود زمان بد بی غم صبر بنمود چو شد بی یاور

ناقه الله فيا شقوه من ما رعاها فتعاطى و عقر

ناقه حق بد و آن کش پی کرد بس شقی بود که نمود حذر

ايها الخصم تذکر سندا متنه صحیح بنص و خبر

برو ای منکر و برخوان خبری که صحیح است بر اهل خبر

اذ اتى احمد فى خمّ غدیر بعلی و علی الرّحل نبر

باز چون گشت محمد (صلی الله علیه و آله) به غدیر با علی (علیه السلام) شد به فراز منبر

قال من كنت أنا مولاه فعلى له مولى و مفرّ

گفت هر کس که منم مولایش هست مولا و امامش حیدر

قبل تعیین وصی و وزیر من رأى مات نبی و هجر

که چنین دید که یک پیغمبر بی وصی شد به سرای دیگر

آیه الله و من یجحد من خصه الله بآی و سور

که بود منکر آن آیت حق که بود نعت وی آیات و سور

من أتى فيه نصوص بخصوص هل باجماع عوام ینکر

آنکه مخصوص به نص هاست چسان گردد از جمع عوامی منکر

اسد الله إذا صال و صاح أبو الایتام إذا جاد وبر

شیر حق بود گه حمله به رزم وز کرم بر همه ایتام پدر

وَدَّه اوجب ما فی القرآن اوجب الله علينا و أمر

ز آنچه واجب شده اندر قرآن کرده حق مهرورا واجبت

مدعی حبّ علی و عداه مثل من انکر حقاً و اقر

دوستدار علی و دشمن او آن بود مؤمن و این یک کافر

یا علی عبدک یغد و یروح من معاصیه بخوف و خطر

یا علی بنده ات اندر شب و روز باشد از خوف معاصی به خطر

اتلف العمر وحیدا و حصور دقه الدهر بشیب و کبر

عمر بگذاشته بی همسر و جفت دهر دون کوفته او را به کبر

طال ما یامل منک نظرا هل اتی مرتقب منک نظر

دیرگاهی است امیدش نگهی است از تو آیا رسد اینش آخر

لذرائعک صلواہ و سلام شارق العالم ما لاح وذر

باد بر آل کرامت صلوات تا کہ خور می زند از مشرق سر

لحماک نفحات البرکات کلما جاء نسیم بسحر

بر طرفدار تو بادا برکات می وزد تا کہ نسیمی به سحر

ص: ۳۶

بخش سوم: تخمیس های قصیده غدیریه

اشاره

ص: ۳۷

۱- تخمیس ملاً علی خوئی (۱۱۶۶-۱۲۵۶ ق)

حاج ملاً علی خوئی فرزند شیخ الاسلام ملاً حسن خوئی است.

او عالمی بود عارف و منزوی و در اجتماعات مداخله نمی کرد و علاقه مخصوصی به مولی علی علیه السلام و اولادش داشت.

عاقبت در سال ۱۲۵۶ ق در نود سالگی دار فانی را وداع گفت و وصیت کرده بود که او را بر سر راه قافله زوار عتبات کربلا و نجف دفن کنند. بعد از فوت نیز طبق وصیتش جنازه او را در کنار جاده خوی به سلماس بر روی تپه غضنفر که سابقاً محل عبور زوار کربلای معلی بود دفن کردند.

هم اکنون مزار آن عارف با گنبدی بالای آن در کنار جاده خوی سلماس موجود و مورد توجه اهالی محل است.

ملاً علی قصیده غدیریه ملاً مهر علی را تخمیس نموده و ظاهراً اولین کسی است که اقدام به تخمیس آن نموده است. این تخمیس به عربی است و متأسفانه غیر از مطلع، سایر بخشهای آن بدست نیامد.

مطلع آن چنین است:

منکر المولی اذا مات و مرّ فی الجزاء سیان صلی ام فجر

ویل من اخره بعد اخرها علی بشر کیف بشر

ربّه فیه تجلی و ظهر

ص: ۳۸

۲- تخمیس ملا علی واله خیابانی تبریزی (متوفای ۱۳۴۰ ق)

آیت الله ملا علی فرزند عبد العظیم خیابانی تبریزی معروف به علی مجتهد تبریزی (۱) از علما و مجتهدین والامقام تبریز بود. در آخر عمرش در مشهد مقدس مقیم گشت و در همان بارگاه ملکوتی در سال ۱۳۴۰ ق رخت به سرای باقی کشید (۲).

او در اشعارش به واله تخلص می کرد. و قصیده غدیریه ملا- مهر علی را تخمیس نموده است. از این تخمیس چند قطعه اش بدست آمد که عبارتند:

فی علی حار عقلی و حسر فی علی طار قلبی و نفر

فی علی ضلّ قوم و کفر ها علی بشر کیف بشر

ربّه فیه تجلی و ظهر

ص: ۳۹

-
- ۱- ۱) همنامی وی با مولی علی خیابانی تبریزی صاحب علمای معاصرین که نام پدر وی نیز عبد العظیم است، موجب گردیده که عده ای شرح حال این دو عالم را باهم خلط نمایند. در حالی که صاحب علمای معاصرین شرح حال وی را در ص ۲۸۸ کتابش ذکر نموده همچنانکه شرح حال خودش را در صفحه ۴۰۶-۴۱۰ همان کتاب نگاشته نموده است.
- ۲- ۲) در کتاب تذکره شعرای آذربایجان ج ۴۶۷/۲ شرح حال واله تبریزی با ملا مهر علی خوئی درهم آمیخته شده و اشعار ملا مهر علی خوئی اشتباها به وی نسبت داده شده است.

لو لضوء الشمس شأن و بهاء او لنور البدر قدر و علاء

قلت من غير جدال و مرآء هو و المبدء شمس و ضياء

هو و الواجب نور و قمر

هو وجه الله للابرار و لسان الله فى الاسرار

هو جنب الله فى الاسحار اذن الله و عين البارى

يا له صاحب سمع و بصر

اقرب الخلق الى الله و لا يشبه القرب بما قد مثلا

قال فى التمثيل قولاً مشكلاً ما هو الله و لكن مثلا

معه الله كنار و حجر

جوهر القدس،عظيم العظمة معدن الفيض،كريم الكرما

خلف الحق بأرض و سماء عله الكون و لولاه لما

كان للعالم عين و اثر

نعمه كان لارباب الصلاح نغمه كان لاصحاب القباح

عجب فى شأنه الضدان لاح اسد الله اذا صال و صاح

ابو الايتام اذا جاد و برّ

جبل انهدرت منه علوم و سحاب لعطاياہ عموم

و سماء فيضها الخلق يدوم فلک في فلک فيه نجوم

صدف في صدف فيه درر

نور انور ما في الأكوان قدره ارفع ما في الإمكان

حبّه ارجح ما في الميزان وده اوجب ما في القرآن

اوجب الله علينا و امر

ص: ٤١

محمد علی انصاری قمی

(۱)

بازگردید دهان پر ز شکر ریزد از خامه من درّ و گهر

نطق شد بهر علی مدحت گر ها علی بشر کیف بشر

ربّه فیه تجلی و ظهر

علی آن منبع ایمان و وفاء علی آن دائرة قطب حیا

علی آن بارقه نور خدا هو و المبدء شمس و ضیاء

هو و الواجب نور و قمر

آنکه در کونین امرش جاری عشق او در همه دلها ساری

ضربتش بر سر خصمش کاری اذن الله و عین الباری

یا له صاحب سمع و بصر

ص: ۴۲

۱- ۱) حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد علی انصاری فرزند شیخ محمد حسین انصاری قمی (متولد ۱۳۲۹- متوفای ۱۴۰۵ ق) از سخنوران نامی معاصر ایران، برای شرح حالش ر ک: مؤلفین کتب چاپی خان بابا مشار ۱۹۴/۴؛ [۱] سخنوران نامی معاصر ایران، تألیف برقی، جلد اول، این تخمیس را فرزند ارجمند مؤلف، حجت الاسلام و المسلمین ناصر الدین انصاری قمی در اختیار ما نهادند که بدینوسیله از آن سرور تشکر می گردد.

زو درخشان شده دست موسی زو سخنگو شده لعل عیسی

دین یزدان شده از او بر پا علّه الکون و لولاه لما

کان للعالم عین و اثر

از روایات چنین شد معلوم کاو است گنجور گهرهای علوم

جنت و دوزخ از او شد مقسوم فلک فی فلک فیه نجوم

صدف فی صدف فیه درر

بخدا او شده اول مؤمن مصطفی را غم از او شد ساکن

حرم از حرمت او شد آمن مظهر الواجب یا للممکن

صوره الجاعل یا للمظهر

ما عقد عهدا الا و وفی ما رأی داء إلا و شفی

ما ضرب ضربه الا و نفی ما رمی رمیه الا و کفی

ما غزی غزوه الا و ظفر

عشق و مهرش سبب فوز و فلاح کفر را درهم از او قلب و جناح

در گه جنگ چو پوشید سلاح اسد الله اذا جاء (۱) و صاح

ابو الایتام اذا جاد وبر

ص: ۴۳

۱-۱) در دیوان مرحوم انصاری «جاء» آمده ولی در اصل قصیده «صال» است.

شوهر بیوه زنان، باب یتیم بیگسان را کس و یاری است قویم

مدح او گفته خداوند عظیم حبه مبدء خلد و نعیم

بغضه منشا نار و سقر

او است بر مردم هادی سبل ز گرفتاری زو رسته رسل

او است در گلشن دین خرم گل هو فی الکَلّ امام فی الکَلّ

...

دو سه تن مرتد شوم بدنام کار کفر است از آنان بنظام

روز زهرا ز ستمشان چون شام لیس من اذنب یوما بامام

کیف من اشرك دهره و کفر

هر کس از درگه او تابد رو گو بخونابه دل دامان شو

پیشوای دو جهان او هست او کلّ من مات و لم یعرفه

موته موت حمار و بقر

تا که گیتی است همی در تک و دو تا که خورشید فشانند پرتو

تا بود ماه درخشان پر ضوء خصمه ابغضه الله و لو

حمد الله و اثنی و شکر

ص: ۴۴

مصطفی فخر رسل مهر زمن این چنین گفت ز قول ذو المن

دوستدارش، بود از نار ایمن خله بشره الله و ان

...

کیست داماد رسول دو سرا کعبه مولد بکه هست و منشا؟

محترم از که منی گشت و صفا؟ من له صاحبه کالزهره

و سلیل کشیر و شبر

علی آن منبع جود است و کرم علی آن معدن اسرار قدم

علی آن ماحی کفر است و ستم منه دیوان علوم و حکم

فیه طومار عظام و عبر

هرچه گوهر که بود در دل یم هرچه زر در شکم کان مبهم

درگه بخششش از خاکی کم بو تراب و کنوز العالم

عنده نحو سفال و مدر

ناصبی گو که سخن کم کندا حرف اگر دارد محکم زندا

جائنا بالسند المستندا ایها الخصم تذکر سندا

متنه صحیح بنص و خبر

ص: ۴۵

چیست کز نزد خداوند قدیر جبرئیل آمد از عرش بزیر
گفت کز امت خود بیعت گیر اذ اتی احمد فی خم غدیر

لعلی و علی الرّحل نبر

تا سپارند بدل گفته او کرد بر امت در آن دم رو

وز علی بود بدستش بازو قال من کنت انا مولاه

فعلی له مولا و مفرّ

بنه ای خصم بیکسو دغلی تا فرستاده خداوند جلی

از پی رهبری خلق نبی قبل تعیین وزیر و وصی

هل تری مات نبی و هجر

آنکه در شأنش اسناد و نصوص داده تشکیل بنائی مرصوص

هست محفوظ ز دزدان و لصوص من اتی فیه نصوص بخصوص

هل باجماع عوام ینکر

مرتضی پادشه خیبرکن که سروده است سلونی من ان

تفقدونى بهمه خلق زمن آیه الله و من یجحد من

خصه الله باى و سور

گو بمنکر که ز قرآن برخوان هل اتی حین علی الدهر انسان

بین که مدّاح علی شد یزدان وده اوجب ما فی القرآن

اوجب الله علينا و امر

دارد انصاری از آن درگاه چشم یاری گه سنجش ز گناه

بهره خصمش آنجا غم و آه مدعی حبّ علی و عداه

مثل من انکر حقّا و اقر

ص: ۴۷

از شعرای معاصر

کیست این نور خدای اکبر که دهد جلوه به شمس و به قمر

حکمفرمای قضا میر قدر ها علی بشر کیف بشر

ربه فیه تجلی و ظهر

ای که گفتی که علی نیست خدا گر خدا نیست ازو نیت جدا

به ره گمشدگاه نور هدی هو و المبدء شمس و ضیاء

هو و الواجب نور و قمر

حکم تو بر همه عالم ساری مهر تو در رگ جانها جاری

تو ید الهی و از غش عاری اذن الله و عین الباری

یا له صاحب سمع و بصر

علی آن مظهر حق دست خدا به جبین دو جهان نور صفا

علت خلق زمین است و سماء علت الكون و لولاه لما

كان للعالم عین و اثر

گشت شرمنده ز حلم تو عدو آنکه انداخت به روی تو خدو

آید این نغمه به گوش از هرسو و له ابدع ما تعقله

من عقول و نفوس و صور

دشمنان تو زهر خیل و گروه از دم تیغ تو دایم به ستوه

ای به میدان غزا همچون کوه جنس الاجناس علی و بنوه

نوع الانواع الی حادی عشر

خیل دل سوختگان را آمن روزی گرسنگان را ضامن

گنج اسرار ازل را خازن مظهر الواجب یا للمکن

صورت الجاعل یا للمظهر

آنکه افکند به هنگام و غا لرزه بر پیکر ارباب دغا

گرد شیراوژن میدان غزا ما رمی رمیه الا و کفی

ما غزی غزوه الا و ظفر

با علی هرکه بشد رویارو گشت لرزان به خود از هیبت او

ذوالفقارش شرر جان عدو اغمد السیف متی قابله

کل من جرّد سیفا و شهر

رهرو و راهبر راه فلاح آفتاب فلک سلم و سلاح
از تو پیدا به جهان لیل و صباح اسد الله اذا صال و صاح
ابو الایتام اذا جاد و برّ

دوستت در کنف رب رحیم دشمنت پیرو شیطان رحیم
علی آن قاسم رضوان و جحیم حبه مبدء خلد و نعیم
بغضه مبدء نار و سقر

در گلستان به سرشاخه گل به ولای تو نواخوان بلبل
به جهان از تو بود هر غلغل هو فی کل امام الکل

...

علی ای فخر بشر خیر انام شرح مدح تو ننگجد به کلام
که کند ذات خدا بر تو سلام لیس من اذنب یوما بامام
کیف من اشرك دهر ا و کفر

پور بوطالب و بن عم رسول همسر حضرت زهرا ی بتول
دین حق را تو فروغی و اصول قوسک قوس عروج و نزول
سهمک سهم قضاء و قدر

ص: ۵۰

آن مریدی که بود وردش هو به در شاه نجف آرد رو

تا بگیرد ز کف پیر سبو کل من مات و لم یعرفه

موتہ موت حمار و بقر

آفتاب آیتی از پرتو تو مه ز مهر تو فشانند پرتو

ای به طاعت ز رسل برده گرو خصمک ابغضه الله و لو

حمد الله و اثنی و شکر

علی ای راه صفا را رهرو در تقا از همگان برده گرو

خرمن خصم خدا را تو الو خلک بشره الله و لو

...

شمع جمع حرم آل عبا شافع اهل گنه روز جزا

خضر را از یم تو آب بقا من له صاحبه کالزهره

و سلیل کشیر و شبر

عارف حادث و دانای قدم وارث علم رسول اکرم

در علم است علی بر عالم عنه دیوان علوم و حکم

فیه طومار عظات و عبر

در نیستان جهان شیر خدا بدبستان شرف درس تقا

به شبستان فلک شمع رجا و هو النور و اما الشركا

فضلام و دخان و شرر

هستی ذات خدا را تو عَلم به تو داده ست خدا لوح و قلم

امت در دو جهان فخر امم بوتراب و کنوز العالم

عنده نحو سفال و مدر

لا مکانی و مکانت همه جا لا یموتی و ممات تو بقا

بی مثالی و مثالی ز خدا ایها الخصم تذکر سندا

متنه صحّ بنص و خبر

مصطفی ختم رسولان بشیر مبشر و حی خداوند خبیر

حج آخر چو شد از ناقه بزیر اذ اتی احمد فی خم غدیر

بعلی و علی الرحل نبر

رفت بر منبر و گفتا قولوا بجهان نیست خدا الا هو

من رسولش و علی آیت او قال من کنت انا مولاه

فعلی له مولا و مفر

ص: ۵۲

او ولی است و وصی است و امیر او امام است و همام است و مجیر

وارث احمد مرسل به غدیر قبل تعیین وصی و وزیر

هل تری مات نبی و هجر

ای سبق برده ز اقران به خلوص مرشد کامل عاری ز نقوص

مصطفی را تو وصیی به نصوص من اتی فیه نصوص بخصوص

هل باجماع عوام ینکر

آیت هستی حق ذو المن گنج اسرار خدا را مخزن

قطب اقطاب زمینی و زمن آیت الله و هل یجحد من

خصه الله بآی و سور

علی ای سرور خوبان جهان عاشق روی توام از دل و جان

ای تو عشاق جهان را جانان و ذک اوجب ما فی القرآن

اوجب الله علینا و امر

هر که آورد به غیر تو پناه روز محشر بکشد بار گناه

هست بر قول من این گفته گواه مدعی حب علیا و عداه

مثل من انکر حقا و اقتر

۵-تضمین مولوی قندهاری

زاهد وارسته حاج شیخ محمد حسن مولوی قندهاری از علمای معروف افغانستان هستند که چندین سال است در مشهد مقدس سکونت دارند.

شهید دستغیب در کتاب داستانهای شگفت چند حکایت و کرامت از معظم له نقل نموده، از جمله این داستان را پیرامون قصیده غدیریه ملا مهر علی خوئی از ایشان چنین نقل کرده اند:

«بنده ساکن مشهد مقدس بودم و از فیوضات حضرت رضا علیه السلام در جوانی منبرم جذاب بود و چون ملازم مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی و سید رضا قوچانی و شیخ رمضانعلی قوچانی و شیخ مرتضی بجنوردی و شیخ مرتضی آشتیانی-قدس الله أَسْرَارَهُمْ-بودم ایشان مرا به پاکستان و قندهار و...می فرستادند.

یک شب وقتی به مشهد مراجعت کردم وارد مسجد گوهرشاد شدم تازه اذان مغرب شده بود. مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی مشغول نماز شد پس از تمام شدن نماز به خدمت ایشان رسیدم و ایشان جویای احوال من شد. در این هنگام مرحوم حاج قوام لاری ایستاد و بنای مقدمه یک روضه را گذاشت و در ابتدا این دو بیت شعر را خواند که من پیش از آن این اشعار را نشنیده بودم:

ها علی بشر کیف بشر

رَبِّه فیه تجلّی و ظهر

هو و الواجب نور و بصر

هو و المبدء شمس و قمر

حال بنده منقلب شد همانطوریکه آقای حاج شیخ علی اکبر نهایندی صحبت می کرد یک گوشم به صحبت او بود و یک گوشم به صحبت حاج قوام.

با حال منقلب به خانه آمدم، تنها بودم در خودم طبع رسائی یافتم مداد را برداشتم و آن اشعار را شیر و شکر تضمین کردم.

چهار سال گذشت نمی دانستم که این مدح قبول شده یا نه؟ روزی بعد از نماز خوابیده بودم در عالم رؤیا دیدم به کربلای معلی مشرف شده ام. وارد رواق مبارک شدم دیدم درهای حرم بسته و زوّار بین رواق مشغول خواندن زیارت وارث هستند.

حالم دگرگون شد که چرا درها بسته است. پرسیدم: آیا درها باز می شود؟ گفتند: بلی، یک ساعت دیگر باز می شود و حالا مجتهدین و علمای اولین و آخرین در حرم حضرت سید الشهداء علیه السّلام هستند و مشغول مدیحه سرائی و عزاداری هستند، در همان عالم خواب به سمت قتلگاه رفتیم. دلم آرام نمی گرفت نزد آن شبّاکِ (پنجره ای) که بالای سر مبارک قرار داشت رفتیم و از میان شبّاک نگاه کردم علما را دیدم و عدّه ای از ایشان را شناختم. از جمله ایشان

مرحوم علامه مجلسی، ملا محسن فیض، سید اسماعیل صدر، میرزا حسن شیرازی و شیخ جعفر شوشتری-رضوان الله علیهم اجمعین- بودند.

حرم مملو از جمعیت بود همه رو به ضریح و پشت به شباک بودند. سرگرده همه ایشان مرحوم حاج آقا حسین قمی-رضوان الله علیه- بود. ایشان دستور می داد: فلان آقا برود بخواند. پس از خواندنش دیگران «احسنت، احسنت» می گفتند و گریه می کردند.

چند نفری را دیدم که بالا رفته و خواندند و پائین آمدند.

در همان عالم رؤیا مانند بچه ها از گوشه شباک به خودم فشار آوردم و این طرف و آن طرف کردم، ناگهان خود را داخل حرم مطهر دیدم ولی هیچ جا نبود مگر پهلوی خود آقای قمی ناچار همانجا نشستم. (بنده وقتی آقای قمی در مشهد مقدس بودند به ایشان ارادت داشتم و در آخر کار نیز وکیل ایشان بودم بلند حرف می زد).

همین که مرا دید فرمود: «مولوی حسن».

عرض کردم: «بله قربان».

فرمود: «برخیز و بخوان».

من در میان دوراهی واقع شدم، امر آقا را چه کنم؟ و با حضور این همه علمای اعلام، کدام آیه را عنوان کنم؟ و کدام حدیث را تطبیق کنم؟ چگونه گریز روضه بزنم؟

مثل اینکه ناگهان به دلم الهام غیبی شد، خواندم:

ها علیٰ بشر کیف بشر

رَبِّهِ فِيهِ تَجَلَّى وَ ظَهَرَ

تا آخر اشعار. وقتی که از خواب بیدار شدم دلم می‌طپید عرق زیادی کرده بودم مثل اینکه مرده بودم. خدای را شکر نمودم که بحمد الله مدیحه ام مورد عنایت واقع شده است» (۱).

اشعاری که ایشان در تضمین قصیده ملا مهر علی در محضر ائمه علیهم السلام سروده اند چنین است:

ص: ۵۷

۱- ۱) قصیده غدیریه، ص ۱۴ تا ۱۷ به نقل از داستانهای شگفت شهید دستغیب ص ۳۱۷.

ها علی بشر کیف بشر

ربّه فيه تجلّی و ظهر

عقل کلی که به ما داد خبر

انا كالشمس علی كالقمر

هو و الواجب نور و بصر

هو و المبدء شمس و قمر

عشق افکند بدلها اخگر

عشق بنمود هویدا محشر

عشق باشد اسد الله حيدر

چون علی هست به عالم رهبر

ها علی بشر کیف بشر

ربّه فيه تجلّی و ظهر

بشری؟ پس گل آدم که سرشت

گر حقی، تخم عبادت که بکشت

رویت آینه هر هشت بهشت

مویت آویزه هر دیر و کینشت

کیمیا کن بنظر این گل و خشت

تا شود خشت و گلم حور سرشت

من نیم ناصبی و غالی زشت

عشق سرمشق من اینگونه نوشت

که به محراب تو هر شام و سحر

سجده آریم به نزد داور

ها علیّ بشر کیف بشر

رَبِّهِ فِيهِ تَجَلَّى وَ ظَهَرَ

گفت غالی که علی الله است

نیست الله صفات الله است

متشرّع که محبّ جاه است

او هم از بی خبری در چاه است

خوب از بیت و حجر آگاه است

غافل از قبله شاهنشاه است

شهر احمد علیش در گاه است

پس علی قبله و بیت الله است

رو به آن قبله عرفان آور

درس اعمال ز قرآن آور

ها علیّ بشر کیف بشر

رَبِّهِ فِيهِ تَجَلَّى وَ ظَهَرَ

علی ای مخزن سرّ معبود

رونق افزای گلستان وجود

کعبه از قوس نزولت مسعود

مسجد کوفه ترا قوس صعود

خالقت چون در هستی بگشود

عشق بازی به تو بودش مقصود

غرض از عشق و محبت این بود

تا گشاید به جهان سفره جود

من چه گویم به مدیح حیدر

عاجز از مدح علی جن و بشر

ها علی بشر کیف بشر

ربه فیه تجلی و ظهر

یار با ماه ره پنهان دارد

و آن ره از جانب قرآن دارد

گر که عارف شوی احسان دارد

ور که کامل شوی بستان دارد

باغ فردوس درخشان دارد

کوثر و حوری و غلمان دارد

با علی باش که جانان دارد

قنبر و بوذر و سلمان دارد

سگ قنبر شود و خاک بوذر

تا شود قطره تو لؤلؤ تر

ها علی بشر کیف بشر

ربه فیه تجلی و ظهر

«حسن» رو سیه نامه تباه

پنه آورده به قنبر ای شاه

اگرش بار دهد و اشوقاه

ور براند ز درش واویلاه

یا علی قنبرت انشاء الله

ردّ سائل نکند از درگاه

قنبرا کن به من خسته نگاه

حسبی الله و ما شاء الله

مستم از باده حبّ حیدر

علیم جنّت و قنبر کوثر

ها علی بشر کیف بشر

ربّه فيه تجلّی و ظهر

به حول و قوه الهی و مدد مولی امیر المؤمنین علیه السلام تنظیم و تحریر این وجیزه در بیستم شوال المکرم ۱۴۱۷ به پایان آمد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

ص: ۶۱

منابعی که در تنظیم این جزوه مورد استفاده قرار گرفته است:

۱- بحر العلوم

علامه محمد حسن زنوزی خوئی متخلص به فانی (متوفای ۱۱۲۳ ق)، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۲- زنبیل

شاهزاده حاجی فرهاد میرزا معتمد الدوله پسر عباس میرزا، انتشارات پدیده، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۷ ش.

۳- سیمای خوی

علی صدرائی خوئی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۳ ش.

۴- تاریخ و جغرافیای دار السلطنه تبریز

نادر میرزا، با مقدمه و تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز، انتشارات ستوده، چاپ اول ۱۳۷۳ ش.

۵- قصیده غدیریة مرحوم آیت الله حاج ملا علی خوئی نجفی

(۱۲۹۲-۱۳۵۰ ق)

(۱)

ص: ۶۲

۱- ۱) لازم به یادآوری است که در آن جزوه بین ملا مهر علی خوئی -

تهیه و تنظیم سید محمد حسن سجاده، عید غدیر ۱۴۱۶ ق، ۲۱ صفحه.

۶- دیوان انصاری

محمد علی انصاری قمی، ناشر مؤلف، قم اردیبهشت ۱۳۴۲.

۷- تذکره شعرانی آذربایجان

محمد دیهیم، چاپ اول آبان ماه ۱۳۶۷، تبریز، جلد دوم و سوم.

۸- تذکره الفضلاء در حالات علماء عرفاء و شعرای خوی از

قرن چهاردهم تا چهاردهم هجری

حاج شیخ جابر فاضلی خوئی (متوفای ۱۴۰۱ ق) با تحقیق و تصحیح و تعلیق علی صدرائی خوئی، نسخه خطی نگارنده.

۹- علمای معاصرین

حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی، به همت و نفقه حاج محمد باقر آقا خوئی کلکته چی، چاپ سنگی، تهران مطبعه اسلامیة، رمضان ۱۳۶۶ ق، ۴۱۸ صفحه.

ص: ۶۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

